

محمد صفر جبرئیلی



رسالة الهما ارجمانی

زن توانست زمینه ساز رشد و شکوفایی شخصیت این قشر از انسان باشد. بانوی بزرگوار اسلام که در چنین مکتبی پرورش یافته است و خود نیز از علم و آگاهی و معرفت بالایی برخوردار است، توانست در عمر کوتاه خود، در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام درخشش نماید و منشأ خیر و برکت برای تمام بشریت باشد.

بخشی از فعالیت‌های اجتماعی آن بانوی گرانقدر را می‌توان در موارد زیر تبیین کرد:

حضرت زهرا علیها السلام در این دنیا عمر زیادی نکرد و قسمت عمده زندگی‌اش همراه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بود. طبیعی است با وجود آن دو بزرگوار - خصوصاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - جایی برای درخشش شخصیت دیگری نخواهد بود، آن هم در عصری که هنوز نگاه به زن نگاهی منفی، و عرصه‌ای برای تجلی توانمندی‌های مثبت و مفید زنان کارآمد وجود نداشت.

البته تعالیم عالیه اسلام و آموزه‌های علمی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به شخصیت دادن به

۱. مرجعیت فکری، فرهنگی

در اینکه حضرت زهرا علیها السلام در بین جامعه آن روز مورد مراجعه مردم بود و در امور مختلف اجتماعی نقش داشت، شکی نیست. چنانکه علامه سید جعفر مرتضی عاملی می نویسد:

«تاکیدهای مکرر و مداوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتار و رفتار، به علاوه مقام و موقعیت حضرت زهرا علیها السلام سبب شد تا ایشان مورد مراجعه مردم باشند و از درجه و موقعیت خاصی برخوردار گردند. چنانکه منزل ایشان پایگاه و پناهگاهی برای کسان زیادی بود که به آنجا رفت و آمد می کردند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه کرده و به منزلش رفت و آمد داشتند.»^۱

و نیز می نویسد: «مردم جهت کسب معرفت و مطالب علمی از محضر حضرت، به خدمت ایشان مشرف می شدند.»^۲

الف. بیان احکام شرعی بانوان: زنان
مدینه خدمت آن حضرت می رسیدند و پرسشهای شرعی خود را از محضرش می پرسیدند و ایشان نیز با

صبر و حوصله به پاسخ آنها می پرداخت؛ چنانکه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

زنی به حضور فاطمه علیها السلام رسید و عرض کرد، من مادری ناتوان دارم که نسبت به مسائل و احکام نمازش دچار شبهه و اشتباهی شده است، مرا نزد شما فرستاده تا آنرا پرسم. حضرت به پرسش او پاسخ گفت. وی مسئله ای دیگر پرسید و حضرت پاسخ گفت. پرسش سومی مطرح کرد و همین طور تاده پرسش را مطرح کرد و حضرت نیز پاسخ گفتند. آن زن از اینکه پرسشهایش زیاد شد خجالت کشید و عرض کرد ای دختر پیامبر! شما را زحمت ندهم. حضرت فرمودند: هر وقت خواستی بیا و هر چه می خواهی بپرس...^۳

ب. حل اختلاف در مسائل دینی

امام حسن عسکری علیه السلام

۱. جعفر مرتضی العاملی، ماساة الزهراء، ص ۵۳؛ ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۹۳ و ۱۹۷.
۲. همان، ص ۵۴.
۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.

می‌فرماید:

دو زن که در یکی از مباحث دینی با هم اختلاف داشتند، خدمت حضرت زهرا علیها السلام آمدند. بحث آن دو به نزاع و دعوا کشید، یکی از آن دو با ایمان بود و دیگری معاند و مخالف با اسلام. حضرت به زن مسلمان در گفتن دلایل و ادله خود کمک کرد تا بتواند مطالب حق خود را ثابت کند. او که توانست حرف خود را اثبات کند، از این جهت خیلی خوشحال شد. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «إِنَّ فَرَحَ الْمَلَائِكَةِ بِاسْتِظْهَارِكَ عَلَيْهَا أَشَدُّ مِنْ فَرَحِكَ وَ إِنَّ حُزْنَ الشَّيْطَانِ وَ مَرَدَّتِهِ بِحُزْنِهَا أَشَدُّ مِنْ حُزْنِهَا»^۱ خشنودی فرشتگان از پیروزی تو بر او بیش از خشنودی تو می‌باشد، چنانکه غمگین شدن شیطان و پیروانش بیش از ناراحتی و حزن آن زن می‌باشد.»

ج. بیان معارف الهی

از رسالت‌هایی که آن حضرت در اجتماع آن روز خود را عهده‌دار آن می‌دانست، بیان معارف الهی بود؛ هر چند حوادث بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کوتاهی عمر آن حضرت، جامعه را از

کسب فیض بیشتر محروم ساخت.

ابن مسعود از بزرگان اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید:

مردی به نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و عرض کرد: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نزد شما گذاشته است که من نیز از آن بهره‌مند شوم؟ آن حضرت به خدمتکار منزل فرمود که برود آن دستمال ابریشمی را بیاورد. او هر چه به دنبال آن گشت آن را پیدا نکرد، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: حتماً آن را پیدا کن؛ زیرا به اندازه حسن و حسین علیهما السلام برایم ارزش دارد. خدمتکار پس از جستجو آن را پیدا کرد، در آن صحیفه و نوشته‌ای بود که بر آن چنین نوشته شده بود:

«قال محمد النبي صلی الله علیه و آله: كُنَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَاوِزَةَ بَوَائِقِهِ. مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ النَّيِّمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَاوِزَهُ. وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ النَّيِّمِ الْآخِرِ فَلَيْقَلْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتَ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّيرَ الْحَلِيمَ الْمُتَمَقِّفَ وَ يُبَغِضُ الْفَاحِشَ الضَّنِينِ السُّئَالِ الْمُلْجِفِ. إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَ إِنَّ

۱. همان، ص ۸؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۸، ح ۱۵.

الْفُحْشَ مِنَ الْبَدَاءِ وَالْبَدَاءِ فِي النَّارِ^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد از مؤمنان نیست. هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را آزار ندهد. کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد یا سخن نیکو بگوید یا سکوت کند. همانا خداوند انسان نیکوکار بردبار و پاکدامن را دوست دارد و انسان زشت کار بخیل و بسیار سؤال کننده و پررو را مبعوض دارد. همانا حیاء از ایمان است و ایمان نیز در بهشت جای دارد و فحش [و ناسزاگویی] از بی حیایی است و [آدم] بی حیا در آتش است.»

در مواردی بعضی از مؤمنان همسران خود را خدمت آن بانوی بزرگ می‌فرستادند تا پرسشهای خود را از محضر آن بزرگوار بپرسند، چنانکه مردی همسرش را فرستاد تا به نزد حضرت برود و از ایشان بپرسد که آیا او از شیعیان و پیروان شما می‌باشد یا خیر؟ او به حضور حضرت آمد و چنین پاسخ شنید که به شوهرت بگو: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا

رَجَزْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَالْآفَلَا؛ اگر به آنچه که به شما امر کرده‌ایم عمل می‌کنی و از آنچه که نهی کرده‌ایم دوری می‌کنی، از شیعیان ما هستی و گرنه خیر.»

مرد بعد از شنیدن پاسخ آن حضرت مضطرب شد و به خود گفت: وای بر من، چه کسی پیدا می‌شود که از گناه و خطا به دور باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود؛ زیرا هر کس از شیعیان آنان نباشد در آتش جهنم جاودان است.

همسرش به حضور حضرت برگشت و سخنان شوهر را بازگو کرد. حضرت فرمودند:

«قُولِي لَهُ لَيْسَ هَكَذَا، شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُحَبِّبِنَا وَمَوْلَى أَوْلِيَاءِنَا وَمُعَادِي أَعْدَائِنَا وَالْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ لَنَا. لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَنَوَاهِينَا فِي سَائِرِ الْمُؤَيَّقَاتِ وَهُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَ لَكِنْ بَعْدَمَا يَطْهَرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا أَوْ فِي عَرَضَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ سُدَائِدِهَا أَوْ فِي

۱. دلائل الامامة، ابن جریر طبری، ج ۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۱؛ سفینه البحار، «انتشارات أسوه»، ج ۲، ص ۱۱۲.

شماری نیز با استفاده از موقعیت اجتماعی، سیاسی و توانایی‌های دیگر خود، بیشتر به این امر می‌پرداختند که از جمله آنها حضرت زهرا علیها السلام بود. بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با پیش آمدن حوادث ناگوار، این رسالت ابعاد دیگری به خود گرفت و از جمله آنها، حمایت و دفاع از امامت و جانشینی به حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. تنی چند از مسلمانان راستین و بیشتر از همه آنها بانوی عالی مقام جهان اسلام بود که در انجام این رسالت نهایت تلاش را نمود.

الف. دفاع و حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

رسول خدا از هنگامی که به رسالت مبعوث شدند تا زمانیکه به مدینه هجرت کردند، در مکه مورد اذیت و آزارهای فراوانی قرار گرفتند. بزرگان قریش و حتی عموهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق و تحریک مردم و حتی کودکان به اذیت و آزار پیامبر، خود نیز به طور مستقیم از هیچ تلاشی در این کار دریغ نداشتند. گاهی

الطَّبِيقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بِعَذَابِهَا إِلَى أَنْ تَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنَا وَنَنْقُلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا؛^۱

به او بگو این چنین نیست. شیعیان ما از بهترین اهل بهشتند و همه دوستان ما و دوستاناران دوستان ما و دشمنان دشمنان ما و هر کس با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت باشد. اگر با او امر و نواهی ما در دیگر گناهان مخالفت کنند، از شیعیان [واقعی] ما نخواهند بود، ولی در عین حال آنها نیز در بهشت خواهند بود البته پس از آنکه در این دنیا به بلایا و گرفتاریها و یا در عرصه‌های قیامت به انواع شدائد و سختیها و یا در طبق بالای جهنم گرفتار عذاب شدند، تا ما به خاطر محبت و [دوستی] که با ما داشته‌اند نجاتشان دهیم و آنان را به نزد خود منتقل کنیم.»

۲. در عرصه سیاست

در اوایل بعثت، حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع و حمایت از آن حضرت از مهم‌ترین رسالت‌های جامعه نوپای اسلام و وظیفه خطیر کسانی بود که علیرغم مشکلات و تنگناهای موجود به حقانیت پیامبر و آیین او ایمان آورده بودند. تعداد انگشت

۱. بحار الانوار، چاپ ایران، ج ۶۸، ص ۱۵۵؛ نهج الحیاء، ص ۲۱۷، ح ۱۲۱.

آنان، خود مستقیماً به صحنه می‌رفت و به حمایت و دفاع از پیامبر عزیز می‌پرداخت.

عبدالله بن مسعود می‌گوید: با پیامبر اکرم ﷺ در کنار کعبه بودیم، حضرت در سایه خانه خدا مشغول نماز بود، گروهی از قریش و از جمله ابوجهل در گوشه‌ای از مکه چند شتر نحر کرده بودند، شکنجه آنها را آوردند و بر پشت پیامبر گذاشتند، فاطمه ؑ آمد و آنها را از پشت پدرش برداشت.^۳ عمرو بن میمون از عبدالله روایت می‌کند و می‌گوید: روزی پیامبر به حال سجده بود، گروهی از قریش گرد او بودند و مقداری از شکنجه و احشاء شتر و یا گاوی که آن را کشته بودند در آنجا بود، گفتند چه کسی این شکنجه را بر می‌دارد و بر پشت او می‌گذارد؟

۱. جهت اطلاع بیشتر رک: دلائل النبوة، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۴۱ - ۴۷؛ بحار الانوار، ج ۱۸، باب ۸ از ابواب معجزات پیامبر و باب ۱ از ابواب احوال آن حضرت.

۲. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۳.

۳. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۵۷؛ دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۴.

خاک بر سر پیامبر می‌ریختند و زمانی سنگ بارانش می‌کردند و یا در کنار کعبه و هنگام نماز، شکنجه حیوانات بر سر و پشت حضرت می‌گذاشتند. در این دوران مردانی مانند حمزه سیدالشهداء به دفاع از پیامبر بر می‌خاستند؛ اما تاریخ نام بانویی بزرگوار که در آن وقت بین ۵ تا ۸ سال بیشتر نداشته است را نیز در کنار مدافعان پیامبر ضبط و ثبت کرده است،^۱ او علاوه بر اینکه در منزل و خصوصاً بعد از رحلت مادر بزرگوارش خدیجه پرستاری پدر را نیز بر عهده داشت، بیرون از منزل نیز همیشه مراقب پدر بود.

ابوبکر بیهقی می‌نویسد: روایت شده است که مشرکان قریش در حجر اسماعیل گردآمده بودند و می‌گفتند: چون محمد ﷺ عبور کند، هر یک از ما به او ضربه‌ای خواهیم زد و چون فاطمه این را شنید پیش مادر رفت و سپس این مطلب را به اطلاع پیامبر رساند....^۲

آن بانوی بزرگوار در مواردی نیز علاوه بر اطلاع و پیشگیری از اقدام

همان جلسه به ابوبکر دست بیعت دهند.

دوم: بنی امیه و در رأس آنها ابوسفیان، که منتظر رسیدن به پست و مقام و منصب بودند و در عصر جاهلیت، مقداری از آن برخوردار بودند.

سوم: بنی هاشم و تعدادی دیگر از مسلمانان مانند عمار، سلمان، مقداد و ابوذر و دیگران.

مشکل انصار تا حد زیادی به نفع خلیفه حل شد، بنی امیه نیز با تطمیع مالی و مقام و منصب حکومتی بیعت کردند؛ اما مشکل بنی هاشم همچنان

عقبه بن ابی معیط این کار را انجام داد. فاطمه علیها السلام آمد و آنرا از پشت پیامبر صلی الله علیه و آله برداشت...^۱

ب. دفاع و حمایت از امام علی علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام مقام و موقعیت و جایگاه امام علی علیه السلام را خوب شناخته بود و از تواناییهای ذاتی و خدادادی و شایستگیهای ایشان نیز مطلع بود.^۲ دیدگاههای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نسبت به امام به صورت مرتب شنیده بود و بدان ایمان و اعتقادی راسخ داشت و صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت امام علی علیه السلام می دانست^۳ و جایگزین دیگری را با وجود ایشان برای این مقام و منصب جایز نمی دید. از اینرو برای اثبات و تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام علیه السلام و مقام امامت بر نداشت.

در بیعت با خلیفه اول سه گروه از قبول بیعت با ابوبکر امتناع کردند:

اول: گروه انصار، که در سقیفه حضور داشتند و هر چند در ابتدا از بیعت با ابوبکر خودداری کردند، ولی مسائلی موجب شد تا بیشتر آنها در

۱. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۳.

۲. برای آشنایی با ویژگیهای حضرت امام علیه السلام از نگاه حضرت زهرا علیها السلام ر.ک: خطبه حضرت در جمع زنان مدینه. برای استفاده از متن شرح و تفسیر دو خطبه آن حضرت که یکی را در مسجد مدینه و دیگری در جمع زنان مدینه ایراد فرمود، ر.ک: الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۹۳ و شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۰ به بعد و شرح خطبه حضرت زهرا، سید عزالدین زنجانی در دو جلد و قطره‌ای از دریا، علی ربانی گلپایگانی.

۳. ویژگیها، آثار و برکات رهبری امام علیه السلام را در خطبه حضرت در جمع زنان مدینه ببینید، در ادامه بحث چند مورد در حد اشاره بیان خواهد شد.

أَيُّ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ يَا عَمْرُؤُا مَا تَتَّقِي اللَّهَ؟ تَدْخُلُ عَلَيَّ بَيْتِي؟ أَيْجُزِبُكَ الشَّيْطَانُ تُخَوِّفُنِي وَكُنَّا حِزْبَ الشَّيْطَانِ ضَعِيفًا؛^۳ ای گمراهان و دروغگویان چه می‌گویید و چه می‌خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا نمی‌ترسی؟ می‌خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزبت که حزب شیطان است مرا می‌ترسانی، در حالی که حزب شیطان ناتوان است.»

و هنگامی که امام علیه السلام را با زور به طرف مسجد می‌بردند، حضرت زهرا علیها السلام با اینکه صدمه دیده بود خود را به میان آنان و امام علیه السلام رساند و فرمود:

باقی بود، هر چند حزب حاکم در جلب رأی و نظر آنان نیز تلاش زیادی کرد و حتی چند شب بعد از بیعت در سقیفه به منزل عبدالله بن عباس رفتند و پیشنهاد پست و حکومت به او و دیگر افراد خانواده‌اش را داده‌اند اما مورد قبول او قرار نگرفت و ابن عباس مسئله را به امام علی علیه السلام واگذار کرد و هیچ یک از بنی هاشم - تا امام بیعت نکرد - دست بیعت به ابوبکر ندادند. و تا حضرت زهرا زنده بود، امام نیز بیعت نکرد. به همین جهت حزب حاکم چاره دیگری اندیشید و به فکر تهدید افتاد.^۱

ابتدا مدافعان امام علی علیه السلام که در منزل حضرت زهرا اجتماع کرده بودند، به دنبال تهدید جدی حکومت و شاید مصلحت اندیشی امام علیه السلام متفرق شدند، سپس طرفداران حکومت برای جلب امام علیه السلام به جهت بیعت با خلیفه به منزل آن حضرت حمله ور شدند.^۲ بانوی بزرگوار اسلام خود در مقابل مهاجمان ایستاد و با آنان صحبت کرد و فرمود:

«أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمَكْدُوبُونَ مَاذَا تَقُولُونَ وَ

۱. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۱ به بعد و ج ۶، ص ۵-۵۲؛ الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۲-۳۳؛ فروغ ولایت، جعفر سبحانی، بخش چهارم و پنجم، ص ۱۴۵-۱۹۳.

۲. برای اطلاع بیشتر از چگونگی بردن امام به مسجد جهت بیعت و اهانت به اهل بیت پیامبر و آتش زدن درب منزل حضرت زهرا علیها السلام ر.ک: فروغ ولایت، جعفر سبحانی، بخش چهارم، فصل سوم، ص ۱۷۹-۱۹۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۴۷-۴۹؛ امام علی بن ابی‌طالب، عبدالفتاح عبدالمقصود، ج ۱، فصل ۱۵، ص ۳۲۱-۳۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸.

«وَاللّٰهُ لَا اَدْعُكُمْ تَحْرِوْنَ اِبْنِ عَمِيٍّ ظَلَمًا؛^۱

به خدا سوگند نمی‌گذارم پسر عموی مرا [ظالمانه به سوی مسجد] بکشانید.»

و بعد از آنکه امام علیه السلام را آنچنان به مسجد بردند، حضرت وارد مسجد شد و با تهدیدی جدی فرمود:

«حَلُّوْا عَنِ ابْنِ عَمِيٍّ فَاَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَشَيْءٍ لَّمْ تُخَلُّوْا عَنْهُ لِأَنْتُمْ شَرٌّ

شَعْرِيٍّ وَلَا ضَعْفَنَ قَمِيصَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ رَأْسِيٍّ وَلَا ضُرْحَنَ اِلَى اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛^۲

پسر عمویم را رها کنید. قسم به آن خدایی که محمد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر حق برانگیخت، اگر از او دست برندارید گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر سرافکننده و در برابر خدا فریاد خواهیم زد.»

و هنگامی که سلمان فارسی با اشاره امام علیه السلام از آن بانوی بزرگوار خواست تا نفرین نکند و به منزل برگردد، خطاب به سلمان این چنین فرمود:

«يُرِيْدُوْنَ قَتْلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام وَمَا عَلَيَّ

عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام صَبْرٌ؛^۳ می‌خواهند علی علیه السلام را به قتل برسانند و [من] بر قتل علی علیه السلام

صبر ندارم.»

خلیفه و دیگران که مرعوب دفاع و حمایت جدی آن بانوی بزرگوار از امام علیه السلام شدند، به ناچار امام علیه السلام را آزاد کردند و حضرت زهرا با دیدن امام علیه السلام به او چنین عرض کرد:

«رُوْحِي لِرُوْحِكَ الْفِدَاءُ وَنَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَفَاءُ يَا اَبَا الْحَسَنِ اِنْ كُنْتُ فِيْ خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ اِنْ كُنْتُ فِيْ شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ؛^۴

جانم فدای جان تو، روحم سپر بلاهای جان تو، ای ابوالحسن! اگر تو در خیر و نیکی بودی با تو خواهم بود و اگر در سختی و بلا گرفتار شدی [باز هم] با تو خواهم بود.»

ج. اعتراض و انتقاد

آن حضرت می‌دید که با خروج رهبری امت از محور خود چه بسا ممکن است امور مهم دیگری نیز دچار این آفت شود و هر گونه ساکت ماندن نوعی تایید بر کارهای ناروا

۱. نهج الحیة، ص ۱۵۲، ح ۶۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۷؛ روضه کافی، ج ۸، ص ۲۳۸ با اندکی تفاوت.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۷.

۴. نهج الحیة، ص ۱۵۹، ح ۷۵.

حضرت علی علیه السلام آمدند و با تهدید خواستند امام علیه السلام را با اجبار به بیعت وادارند و یا متعرض اهل خانه شوند و خانه را به آتش بکشانند - که متأسفانه این کارها نیز به انجام رسید^۴ - حضرت زهرا علیها السلام در مسجد و خطاب به خلیفه اول فرمود:

«يَا أَبَا بَكْرٍ! مَا أَسْرَعَ مَا أَعَزَّتْ عَلَيَّ أَهْلِي
نَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهِ لَا أَكَلِمُ عَمَرَ حَتَّى أَلْقَى
اللَّهَ؛^۵

۱. جهت اطلاع بیشتر از فدک، ارزش و مقدار درآمد آن، چگونگی بخشش آن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام و سرنوشت آن و... رک. فروغ ولایت، جعفر سبحانی، ۱۹۵-۲۵۸ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۰-۲۸۶.

۲. هدف اصلی حضرت زهرا علیها السلام از باز گرفتن فدک استفاده مادی از آن نبود، بلکه اثبات و احقاق حق خود بود؛ چون همان سالهایی نیز که فدک در اختیار ایشان بود، تنها به اندازه نیاز اولیه خود از آن بر می داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می کرد و تا هنگام رحلت پیامبر نیز این چنین بود. رک: بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۱۸ به نقل از چشمه در بستر، ص ۲۶۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۶.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

۴. جهت اطلاع بیشتر رک الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۳.

۵. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۴۹.

باشد و چه بسا حتی برای همیشه کاری قانونی جلوه داده شود و نشانی بر حقانیت مدعیان خلافت تلقی گردد. بدین جهت حضرت زهرا علیها السلام در مواردی مخالفت خود را با اعتراض و انتقاد و شکوه به اثبات رساند.

- اعتراض به غصب فدک

بعد از آنکه حضرت چند بار برای گرفتن فدک^۱ - که حق آن حضرت بود - به خلیفه اول مراجعه کرد^۲ و او نیز با استناد به حدیثی که کسی غیر از او آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشنیده و نقل نکرده است و بعد از استناد حضرت زهرا به آیاتی از قرآن و بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی شهادت شاهدان، از بازگرداندن فدک به آن حضرت خودداری کرد، آن بانوی بزرگوار به اعتراض چنین فرمود:

«وَاللَّهِ لَأَذْهَبَنَّ اللَّهُ عَلَيْكَ وَاللَّهُ لَا أَكَلِمُكَ
بِكَلِمَةٍ مَا حَيَّيْتُ؛^۳ سوگند به خدا تو را نفرین می کنم و بخدا قسم تا زنده هستم با تو یک کلمه سخن نخواهم گفت.»

- اعتراض به یورش به خانه حضرت

بعد از آنکه تعدادی به درب منزل

أَتَىٰ أَعْرَابٌ أَن يُصِيبَ الْبَلَاءَ مِنْ لَأَذْنَبَ لَهُ لَعَلَّمَتْ
 أَتَىٰ سَأَقْسِمُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْإِجَابَةِ؛^۱
 ای عمر! طغیان تو مرا [از خانه]
 بیرون کشید و حجت را بر تو و بر
 دیگر گمراهان اغوا شده تمام کرد. ای
 پسر خطاب! سوگند به خدا، چون
 کراحت دارم که بی گناهان دچار بلا و
 گرفتاری شوند [از نفرین دست
 برمی دارم. اگر چنین نبود] می دانستی
 که بر خدا سوگند یاد می کردم و سپس
 خدا را سریع الاجابة می یافتم.»

- اعتراض به مردمان ساکت و خاموش
 فرازهایی از خطبه حضرت
 زهرا علیها السلام در مسجد مدینه گواهی گویا
 بر این مطلب است. آن حضرت با دلی
 پر خون از حوادث ناگوار پیش آمده، با
 زبان شکوه و اعتراض خطاب به انصار
 فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمَلِكَةِ وَحَصَنَةَ
 الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَالسَّنَةُ عَنِ
 ظُلَامَتِي؟»^۲

ای انجمن نقباء! ای بازوان ملت!

تعالیم عالیه اسلام و
 آموزه‌های علمی و عملی
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به
 شخصیت دادن به زن
 توانست زمینه ساز رشد و
 شکوفایی شخصیت این
 قشر از انسان باشد.

ای ابوبکر! چه زود کینه‌های
 پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول
 خدا صلی الله علیه و آله ظاهر کردید، سوگند به خدا تا
 زنده‌ام با عمر سخن نخواهم گفت.»

- اعتراض به بی حرمتی به امام علیه السلام
 بعد از آنکه امام علی علیه السلام را به طرز
 نامناسبی به مسجد بردند، حضرت
 زهرا علیها السلام خود را به مسجد رساند و
 اعتراض خود را به مهاجمان و دیگر
 کسانی که آنجا بودند ابلاغ کرد. از
 جمله خطاب به خلیفه دوم که نقش
 اصلی را در این کارها داشت فرمود:

«طَغْيَانُكَ يَا عُمَرَ أَخْرَجَنِي أَلْرَّمَكِ الْحُجَّةَ
 وَكُلَّ ضَالِّ عَوِيٍّ. أَمَا وَاللَّهِ يَا بَنِي الْحَطَّابِ كُنُؤًا

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۵.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۹؛ دلایل الامامة، ص ۳۶.

کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد از مؤمنان نیست. هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را آزار ندهد.

شنیده‌اید که رسول خدا ﷺ فرمود:
 «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي،
 رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَائِي وَ سَخَطُ فَاطِمَةَ مِنْ
 سَخَطِي؛

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است، رضایت فاطمه از رضایت من و خشم فاطمه از خشم من است.»

گفتند. آری شنیدیم.

حضرت فرمودند:

«قَاتِلِي أُنْسَهُدَّ اللَّهُ وَمَلَأَ كَنَّهُ أَنْكُمَا
 أَسَخَطْتُمَانِي وَمَا أَرْضَيْتُمَانِي وَلَسْنِ لَقَبْتُ
 النَّبِيَّ ﷺ لَا شَكْرَ لَكُمَا إِلَيْهِ؛^۲

۱. همان، ص ۲۷۲ و ۲۷۳.

۲. الامامة والسياسة، ص ۱۳ و ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۶ و ج ۲۹، ص ۶۲۷ و ج ۴۳، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

ای حافظان اسلام! این غفلت و سستی در مورد حق من چیست؟ و چرا در برابر دادخواهی من سهل انگارید؟»
 در فراز دیگری ضمن بیان علت‌های سستی و تساهل مردم فرمودند:

«أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ
 وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَ
 خَلَوْتُمْ بِالِدَعَةِ وَ نَجَوْتُمْ مِنَ الضَّيْقِ بِالسَّعَةِ
 فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ وَ دَسَّغْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ؛^۱
 می‌بینم که به تن آسایی خو کرده‌اید، و کسی که سزاوارتر [به زمامداری] بود با شادی و دنیاطلبی دور کردید، و بارفاه و آسایش خلوت کرده‌اید و از سختی زندگی به راحتی و خوشگذرانی رسیده‌اید؛ به همین جهت آنچه را که حفظ کرده بودید از دست دادید و آنچه را که فرو بردید، استفرغ کردید.»

- اعتراض به عملکرد خلیفه اول و دوم

در روزهای آخر عمر حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که آندو با اجازه امام علی علیه السلام به ملاقات آن بانوی بزرگوار رفتند، آن حضرت صورت خود را به سوی دیوار برگرداند و از آنان پرسید: شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا

سپیدی صبح آشکار شد و شنیدم که در حق مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد و اسم آنها را می‌برد و برای آنها بسیار دعا کرد. اما برای خودش دعا نفرمود. عرض کردم، ای مادر! چرا برای خودت چون دیگران دعا نمودی؟ فرمود: پسرم! اول همسایه، سپس خانه.»

امام صادق علیه السلام نیز این سیره و روش حضرت را چنین بیان فرموده است:

«كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا فَقِيلَ لَهَا فَقَالَتْ أَلَسْ جَارُكُمْ الدَّارُ؟^۱ فاطمه علیها السلام

چنین بود که هر گاه دعا می‌کرد، برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد ولی برای خودش دعا نمی‌کرد. به او گفته شد [و از او علت این ماجرا سؤال شد]، پس فرمود: همسایه و سپس خانه.»

چنانکه از حدیث امام حسن مجتبی علیه السلام بر می‌آید، حضرت زهرا علیها السلام هنگام دعا برای همسایگان، آنها را با نام دعا می‌کرده است و این

خدا و فرشتگانش را به شهادت می‌گیرم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید [و آزار دادید] و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با [پدرم] رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات کنم شکایت شما را نزد او خواهم برد.»

۳. با همسایگان

حضرت زهرا علیها السلام که تربیت یافته مکتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، نسبت به همسایگان توجه خاصی داشت. برخی از موارد توجهات حضرت زهرا علیها السلام درباره همسایگان را می‌توان در امور زیر جستجو کرد.

الف. دعا در حق همسایگان

امام حسن علیه السلام چنین نقل می‌کنند: «رَأَيْتُ أُمَّيَ فَاطِمَةَ علیها السلام قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْصَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْمِيَهُمْ وَ تَكْثُرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بَشِيءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُنْسَاءَ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ. فَقَالَتْ يَا بَنِي الْعَجَازِ ثُمَّ الدَّارُ؟^۱

مادرم فاطمه علیها السلام را شب جمعه‌ای دیدم که در محراب خود ایستاده و پیوسته به رکوع و سجده می‌رفت تا

۱. همان، ج ۴۳، ص ۸۲ و ج ۸۶، ص ۳۱۳.

۲. همان، ج ۹۰، ص ۳۸۸.

بیانگر ارتباط آن بانوی بزرگوار با مردم و همسایگان می باشد.

ب. سرکشی و کمک به همسایه ها

حضرت زهرا علیها السلام هم به عیادت مریضهای همسایه می رفت و هم به جهت تعزیت و تسلیت در مورد اموات آنها در بعضی از مجالس شرکت می کرد، چنانکه نوشته اند:

«كَانَتْ تَعُودُ مَرَضَاهُمْ؛^۱ از

مریضهایشان عیادت می کرد.»

«خَرَجَتْ فِي تَعْزِيَةِ بَعْضِ جِيرَانِهَا؛^۲ در

عزای بعضی از همسایگانش [از خانه] خارج شد.»

در سیره آن بانوی گرانقدر آمده است:

حضرت زهرا علیها السلام فقیران و بینوایان را اطعام می داد و به همسایگان

مستضعف خود رسیدگی می کرد و به زنان و اطفال مخصوصاً یتیمان توجه

می کرد و به آنها رسیدگی می نمود و غذا می داد تا جاییکه اثر گرسنگی بر

صورت مبارکش آشکار می شد.^۳

حتی آن زمانی که خانواده

بزرگوار زهرا علیها السلام سه روز پی در پی غذای خود را به یتیم و فقیر و

مسکین دادند^۴ و خداوند به شکرانه این کار، غذایی برای آنها فرستاد، فاطمه علیها السلام از آن غذا نیز بین همسایگان توزیع و تقسیم کرد. در این ماجرا، رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت خود را جمع کرد و به آنها غذا داد تا سیر شدند و قدری از غذا باقی ماند و حضرت زهرا علیها السلام آن را به همسایگانش بخشید.^۵

۴. ایثار و انفاق

با هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، مسلمانان و پیروان حضرت نیز به این شهر مهاجرت کردند، تنگناهای اقتصادی و سیاسی مسلمانان را در شرایط بسیار سختی قرار داد، انصار هر چه داشتند به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در نهایت اخلاص و فداکاری با مهاجران تقسیم کردند، غنیمتهای جنگی نیز که

۱. اعلموانی فاطمة، ج ۴، ص ۵۳۴.

۲. بحارالانوار (بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۳. ر.ک: اعلموانی فاطمة، ج ۴، ص ۲۱۷. به نقل از فاطمة الزهراء، توفیق ابوعلم، ص ۱۳۰ و تفسیر کشف زمخشری.

۴. دهر / ۷-۸، بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷ به بعد.

۵. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۵ و ج ۴۷، ص ۲۷.

گاهی به دست می‌آمد آنقدر نبود که نیاز جامعه نو پای اسلام را بر طرف سازد، پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله مسلمانان و فقرای مسلمان را بر خود و خانواده و بستگانش ترجیح می‌داد، و علی و فاطمه علیها السلام نیز در اجرای این رسالت اخلاقی، اجتماعی بیش از توان معمول بر خود سخت می‌گرفتند. آنها علاوه بر تحمل مشکلات طاقت فرسا، در ایثار و انفاق نیز بر همه پیشی گرفته بودند.

خانه فاطمه علیها السلام محل مراجعه نیازمندان و فقیران بود، هر کس به آنجا مراجعت می‌کرد ناامید بر نمی‌گشت، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در موارد زیادی نیازمندان را به ایشان ارجاع می‌داد.^۱

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: نماز عصر را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جا آوردیم، حضرت هنوز در محراب نماز نشسته بودند که پیر مردی از مهاجران عرب که لباسی کهنه و مندرس به تن داشت وارد شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احوال او را پرسید و از او دلجویی کرد. آن مرد گفت: «ای رسول خدا! شکمم گرسنه است، غدایم بده، تنم برهنه است، لباسم بی‌پوشان،

تهیدستم، بی‌نیازم فرما.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا أَجِدُكَ شَيْئًا، أَنْطَلِقُ إِلَى مَنْزِلٍ مَنْ يَجِبُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَ يَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، يُؤْتِرُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ، أَنْطَلِقُ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ؛

«چیزی برای تو نمی‌یابم، به در خانه کسی برو که هم او خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش او را دوست دارند، او خدا را بر خودش مقدم می‌دارد، برو به خانه فاطمه علیها السلام.»

آنگاه پیامبر به بلال فرمود که او را به منزل فاطمه علیها السلام برسان. بلال با او آمد و قضیه را به عرض زهرا علیها السلام مرضیه رساند. حضرت زهرا علیها السلام گردن‌بندی را که دختر عمویش فاطمه دختر حمزه سیدالشهداء به او هدیه داده بود، از گردن درآورد و به آن مرد فقیر داد و فرمود: «خُذْهُ وَبِعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْوَضَكَ بِمَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ؛^۲ این را بگیر و بفروش. امید است خداوند در مقابل آن چیزی به تو دهد که از آن بهتر است.» همچنین ابن عباس نقل می‌کند:

سلمان فارسی برای آنکه چیزی

۱. مأساة الزهراء، ج ۱، ص ۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۶-۵۸، ح ۵۰.

قَدْ اضْطَرَبْنَا عَلَيَّ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ ... وَلَكِنْ لَا
 أَرَدُ الْخَيْرَ إِذَا نَزَلَ الْخَيْرُ بِأَيِّ؛ سوگند به آن
 کسی که محمد ﷺ را به حق به پیامبری
 برانگیخت، سه روز است که چیزی
 نخورده‌ایم و حسن و حسین ﷺ از
 شدت گرسنگی می‌لرزیدند [تا اینکه
 خوابشان برد...]. اما خیری را که به در
 خانه‌ام آمده است بر نمی‌گردانم.»

حضرت ﷺ پیراهن خود را به
 سلمان داد تا ببرد و از شمعون یهودی
 مقداری خرما و جو بگیرد. سلمان آنها
 را گرفت و آورد. آن حضرت بلافاصله
 آنها را آسیاب کرد و نان پخت و به
 سلمان داد تا برای آن مرد فقیر ببرد.
 سلمان عرض کرد: یک قرص از این
 نانها را برای حسن و حسین بردارید.
 حضرت فرمودند: «يَا سَلْمَانَ هَذَا شَيْءٌ
 أَنْصَيْنَاهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَنْسُنَا نَأْخُذَ مِنْهُ شَيْئًا؛
 اینها را در راه خدای عزیز و بزرگ
 داده‌ایم، چیزی از آن را بر نمی‌داریم.»

۱. تفصیل این قضیه را ملاحظه کنید:
 بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۹-۷۵.

خانه فاطمه ﷺ محل
 مراجعه نیازمندان و
 فقیران بود، هر کس به
 آنجا مراجعت می‌کرد
 ناامید بر نمی‌گشت، و
 پیامبر اکرم ﷺ نیز در
 موارد زیادی نیازمندان را
 به ایشان ارجاع می‌داد.

برای عرب تازه مسلمان شده‌ای تهیه
 کند به خانه زنان پیامبر اکرم ﷺ رفت
 اما چیزی نیافت، چشمش به خانه
 حضرت زهرا ﷺ افتاد و با خود گفت:
 اگر خیری باشد از خانه فاطمه ﷺ،
 دختر پیامبر ﷺ خواهد بود. رفت و در
 خانه آن حضرت را کوبید و قضیه را به
 عرض ایشان رساند. آن حضرت
 فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ بِالْحَقِّ
 نَبِيًّا إِنَّ لَنَا ثَلَاثًا مَا طَعِمْنَا وَإِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ